

## The Consequence of Iran's Nationalization of oil in Iraq's Parliament and Government

Norodin Nemati \*

Associate Professor of History, University of Tehran, Tehran, Iran, n.nemati@ut.ac.ir

Alireza Alzayadie

Ph.D. Student of History, University of Tehran, Tehran, Iran, a.alzayadie@gmail.com

### Abstract

Iranian Parliament passed the law regarding Nationalization of oil in March 15, 1951. This event had a great impact on domestic, regional, and international conditions of the oil-rich countries. Thus, in Iraq, parties and political groups and a number of parliamentary representatives called on Nuri al-Said government to propose a national oil industry law to be approved by the government. The British statesmen planed a new strategy regarding the oil privileges in order to confront the impact of Iran's movement in Iraq. This research examines the question of how Iran's nationalization movement had an impact in Iraq. The working hypothesis is that the nationalization of oil in Iran, and the weakening of the royal power and tension in Iran-West relations gave a strong motivation to the confrontation of the royal power and western colonialism

**Keywords:** Nationalization of Oil, Iraq's Parliament, the Government, Oil Contract, Britain.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

\* Corresponding author

فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)  
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان  
سال پنجاه و چهارم، دوره جدید، سال دهم  
شماره دوم (پیاپی ۳۸)، تابستان ۱۳۹۷، صص ۳۱-۴۲  
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۸/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۰۹

## ملی‌شدن صنعت نفت ایران و تأثیر آن بر دولت و مجلس عراق

نورالدین نعمتی\* - علی‌رضا الزیادی\*\*

### چکیده

در ۲۴ اسفند ۱۳۲۹/۱۵/۱۹۵۱ مجلس شورای ملی ایران قانون ملی‌شدن صنعت نفت را تصویب کرد. این رویداد اوضاع داخلی کشور و وضع بین‌المللی و منطقه‌ای کشورهای صاحب‌امتیاز نفت را تحت تأثیر قرار داد. در کشور عراق احزاب و گروه‌های سیاسی و تعدادی از نمایندگان مجلس از نخست‌وزیر خواستند لایحه ملی‌شدن نفت را تدوین کرده و پس از تأیید هیئت دولت به مجلس ارائه کند. دولتمردان بریتانیایی برای مقابله با تأثیرپذیری عراقی‌ها، با هدایت دولت وابسته نوری السعید، راهبرد نوینی درباره امتیازات نفتی تدوین کردند. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه ملی‌شدن صنعت نفت ایران بر ساختار دولت و عملکرد نمایندگان مجلس عراق تأثیر گذاشت؟ فرضیه پژوهش این است که ملی‌شدن صنعت نفت ایران در میان تعدادی از نمایندگان مجلس عراق و احزاب و گروه‌های سیاسی برای تغییر در شرایط امتیاز نفتی و مقابله با دولت آن کشور انگیزه ایجاد کرد.

واژه‌های کلیدی: ملی‌شدن صنعت نفت، مجلس و دولتمردان، قرارداد نفتی، بریتانیا

\* دانشیار تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسؤول) n.nemati@ut.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران a.alzayadie@gmail.com

## مقدمه

نمایندگان با ملی شدن نفت، اوضاع تحت کنترل دولت درآمد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و برپایه اسناد، موضوع را بررسی می‌کند.

## نفت ایران

مظفرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۸۰ ش/۱۹۰۱ م، امتیاز نفت ایران را به مدت ۶۰ سال به ویلیام ناکس داری (William Knox Darcy) از کشور بریتانیا واگذار کرد. در پی این امتیاز، شرکت نفت ایران و انگلیس تأسیس شد و در سال ۱۲۸۷ ش/۱۹۰۸ م، چاه حفز شده در مسجدسلیمان به نفت تجاری رسید (فاتح، ۱۳۵۸: ۲۵۸ تا ۲۶۰). پالایشگاه نفت آبادان در سال ۱۲۸۹ ش/۱۹۱۰ م تأسیس شد. انگلیسی‌ها با تغییر سوخت کشتی‌ها از زغال‌سنگ به نفت، در ایران عملیات اکتشاف و استخراج و تصفیه نفت را گسترش داده و برای محافظت از صنعت نفت، پلیس جنوب را تشکیل دادند (علم، ۱۳۷۱: ۳۵ تا ۴۰).

در جریان جنگ جهانی اول، نفت به عاملی اصلی برای حفظ برتری قدرت‌های جهانی تبدیل شد. در خاورمیانه رقابت نفتی بین آمریکا و شرکت نفت ایران و انگلیس اوج گرفت و آمریکا پس از چند سال کشمکش، با کسب امتیاز نفت کشورهای بحرین، عربستان و کویت پیروز میدان شد. در همین زمان بود که دولت ایران برای گسترش منابع نفتی ابراز تمایل کرد؛ اما قصد نداشت این امتیاز را به انگلیس یا شوروی بدهد (صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۹ مرداد ۱۳۲۳).

در دوره رضاشاه (۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ ش/۱۹۲۵ تا ۱۹۴۱ م) انگلیسی‌ها با زیر فشار گذاشتن شاه، موفق شدند در قرارداد داری تجدیدنظر کرده و قرارداد ۱۳۱۲ ش/۱۹۳۳ م را به ایران تحمیل کنند. با شروع

ملی شدن صنعت نفت در ایران پیامدهای مهمی برای کشورهای همسایه و به‌طور کلی خاورمیانه به‌دنبال داشت. کشورهای غربی که در خاورمیانه امتیاز نفتی داشتند، برای جلوگیری از تغییر وضع، با تدوین راهبردی نو با آن مقابله کردند. کشور عراق به‌علت هم‌جواری و همچنین اشتراک‌های مهم فرهنگی و اجتماعی و مذهبی با ایران، در برابر تحولات ایران واکنش نشان داد. سه روز پس از ملی شدن صنعت نفت ایران، تعدادی از نمایندگان مجلس عراق در نامه‌ای از رئیس مجلس خواستند دولت را ترغیب کند لایحه‌ای مبنی بر ملی شدن صنعت نفت به مجلس ارائه کند و به سلطه انگلیسی‌ها بر نفت این کشور پایان دهد. در پی آن احزاب و گروه‌های سیاسی با کمک مطبوعات و برگزاری سخنرانی، برای شکل‌گیری جنبش عمومی فعالیت کردند. نظام سلطنتی حاکم و دولت، به‌همراهی انگلیسی‌ها، با ملی شدن صنعت نفت مخالف بودند. از این رو نخست‌وزیر وقت، نوری السعید، با حضور در مجلس و بیان دیدگاه‌های خود اعلام کرد با توجه به وضعیت حساس بین‌المللی، اوضاع منطقه و وضع داخلی کشور، دولت با ملی شدن صنعت نفت موافق نیست.

او مدعی بود برای افزایش درآمد دولت از شرکت‌های نفتی موصل و بغداد و بصره، باید با دولتمردان بریتانیا مذاکره شود و آنها متقاعد شوند میزان درآمد نفتی کشور نباید از کشورهای همسایه کمتر باشد. دولتمردان انگلیسی به رئیس شرکت نفت عراق دستور دادند به دولت عراق پیشنهاد مذاکره دهد. عراق هیئتی برای مذاکره تشکیل داد و تبلیغات وسیعی در این زمینه انجام شد. با طولانی شدن مذاکرات و فشارهای دیپلماتیک هیئت انگلیسی و مخالفت تعدادی از

کارشناسان داخلی، عملیات اکتشاف و استخراج و تصفیه نفت را به‌عهده گیرند (بایگانی وزارت خارجه، سند شماره ۲۱-۱/۲۰۰-۱۰-۱۳۲۶).

هم‌زمان با ملی‌شدن نفت ایران، مردم برمه نفت را ملی کردند و حتی برخی از نمایندگان مجلس عوام انگلیس، منابع نفتی برمه را به مردم این کشور متعلق می‌دانستند و دولت انگلیس را از دخالت در امور داخلی برمه برحذر می‌داشتند. از این رو دولت ایران اعلام کرد سیاست توزان منفی را حفظ و حقوق مردم ایران را از نفت جنوب تأمین خواهد کرد (Burrell and Jarman, 1997: 14/500).

محمد ساعدمراغه‌ای در دوره نخست‌وزیری خود، عباسقلی گلشائیان، وزیر دارایی را مأمور مذاکره با گس، نماینده شرکت نفت انگلیس و ایران، کرد. گس پیشنهاد هیئت مذاکره‌کننده ایرانی را مبنی بر رعایت اصل تصفیه سود (۵۰-۵۰) و بازنگری قرارداد در هر ۱۵ سال رد کرد (روحانی، ۱۳۵۲: ۱۳ تا ۱۷). آمریکایی‌ها که از روند مذاکرات آگاهی داشتند، به انگلیس سفارش کردند باید تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای را در نظر بگیرد و اگر با دولت ساعد به توافق نرسند ممکن است امتیاز آنها از بین برود.

سرانجام دو طرف مذاکره به توافق رسیدند و هیئت دولت با تصویب توافق نفتی گس گلشائیان آن را به مجلس فرستاد؛ ولی در مجلس قرارداد با مخالفت روبه‌رو شد و با به پایان رسیدن دوره مجلس، به تصویب نرسید (مکی، ۱۳۵۷: ۵۲۳ تا ۵۴۰). با تشکیل مجلس شانزدهم و حضور نمایندگان جبهه ملی، با قرارداد الحاقی مخالفت شد و در مجلس، کمیسیون نفت تشکیل شد. هدف کمیسیون، لغو قرارداد ۱۳۱۲ش/۱۹۳۲م و ملی‌کردن صنعت نفت بود.

با تشکیل اولین جلسه کمیسیون علی منصور،

جنگ جهانی دوم، اشغال ایران، سقوط رضاشاه و تأمین نیازهای نیروهای متفق اوضاع اقتصادی کشور آشفته شد. در این زمان درآمدهای دولت از استقراض خارجی و بخش کمی نیز از درآمدهای نفتی تأمین می‌شد. این در حالی بود که مابین سال‌های ۱۳۱۸ تا ۱۳۳۰ش/۱۹۳۸ تا ۱۹۵۰م، تولید نفت ایران برای انگلیسی‌ها چند برابر افزایش یافته بود؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۳۰ش/۱۹۵۰م، تولید سالانه به ۷۵۰ هزار بشکه رسید؛ اما درآمدهای حاصل‌شده، صرف بازسازی اقتصادی بریتانیا می‌شد و کمترین سهم به ایران می‌رسید (niromand, 1969: 43-45).

شرکت نفت انگلیس از ایرانی‌ها در حکم کارگر با کمترین امکانات رفاهی استفاده می‌کرد؛ درحالی‌که انگلیسی‌ها در بخش‌های فنی و مدیریتی تمام امکانات رفاهی شرکت را در اختیار گرفته بودند و برخلاف امتیاز، به ایرانی‌ها اجازه نمی‌دادند عملیات حسابرسی شرکت را بررسی کنند تا از میزان واقعی سود آن آگاه نشوند (Dormanandfethany, 1987: 34-40).

دولت و شرکت نفت انگلیس با نفوذی که با کمک افراد وابسته به خود در مجلس شورای ملی و دولت ایران داشت، از اجراشدن قرارداد ۱۳۱۲ش/۱۹۳۳م جلوگیری می‌کرد (hamiltonlyttle, 1968: 158-163). در اعتراض به چنین وضعی بود که اندیشه ملی‌کردن صنعت نفت در بین ایرانیان قوت گرفت و صدای نخستین اعتراض‌ها از مجلس برخاست (صورت مذاکره مجلس، ۲۵ خرداد ۱۳۰۱).

در مجلس پانزدهم شورای ملی، پس از رد توافق نفتی قوام‌سادچیکف، نمایندگان از دولت خواستند برای استیفای حقوق ملی ایران از شرکت نفت انگلیس و ایران اقدام کند و برای تحصیل حقوق تاریخی ملت ایران در نفت جنوب، وزارتخانه‌ای تأسیس شود و

دیوان بین‌المللی لاهه شکایت کردند؛ اما دولت ایران دیوان لاهه را دارای صلاحیت رسیدگی ندانست. پس از اینکه دولت انگلیس تمامی پیشنهادهای مصدق را رد کرد، در مهرماه ۱۳۳۱/اکتبر ۱۹۵۲ مصدق مناسبات دیپلماتیک با انگلیس را قطع کرد و مدعی شد انگلیس تلاش می‌کند دولت او را سرنگون کند (U.S.F.A.D: 888, 2553/10, 2052, tel, oct, 20, 1951). سرانجام با کودتای آمریکایی انگلیسی و به کمک عوامل داخلی، دولت او سقوط کرد.

### حکومت عراق

پس از تجزیه عثمانی در ۱۵ اردیبهشت ۱۲۹۹ش/۲۵ آوریل ۱۹۲۰، در کنفرانس سان‌رمو (San-remo) و براساس توافق سایکس‌پیکو (Sykes-Picot)، کشور عراق زیر قیمومت انگلیس به وجود آمد (بیگدلی، ۱۳۶۸: ۲۰ تا ۲۵). انگلیسی‌ها اداره این منطقه را به فیصل از خاندان هاشمی سپردند که از متحدان بریتانیا بود. از مهم‌ترین اقدامات فیصل تأسیس مجلس، تدوین قانون اساسی و عقد قرارداد دوستی با انگلیسی‌ها بود (الجمالی، ۱۹۵۴: ۳ تا ۳۱). بر اساس معاهده دوستی عراق و انگلیس که در ۲۰ خرداد ۱۳۰۳/۱۰ ژوئن ۱۹۲۴ به تصویب رسید حق تعیین مستشاران خارجی، آموزش نظامیان و نظارت بر روابط خارجی به انگلستان واگذار شد (الحسنی، ۲۰۱۳: ۲۰ تا ۲۶). سرانجام در سال ۱۳۱۰ش/۱۹۳۲م، کشور عراق با عضویت در جامعه ملل به صورت ظاهری به استقلال رسید؛ درحالی‌که دولت عراق متعهد شد پایگاه‌های نظامی کشورش را در اختیار انگلیسی‌ها قرار دهد و آموزش نظامیان به‌عهده آنها باشد. علاوه بر این نیروهای انگلیسی مستقر در عراق از حق قضاوت کنسولی برخوردار شوند.

نخست‌وزیر وقت، استعفا داد و سرتیپ علی رزم‌آرا جانشین او شد (جامی، ۱۳۶۱: ۵۵۷ تا ۵۵۹؛ روزنامه کیهان، ۸ تیر ۱۳۲۹). رزم‌آرا مخالف ملی‌شدن صنعت نفت بود و اگر می‌خواست در قدرت بماند باید مسئله نفت را به نفع انگلیس‌ها حل می‌کرد (بهینیا، بی تا: ۲۵ تا ۲۸).

در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹/۱۹۵۱م خلیل طهماسبی از گروه فداییان اسلام رزم‌آرا را ترور کرد و روز بعد، کمیسیون نفت پیشنهاد ملی‌شدن صنعت نفت را تصویب کرد.

با تصویب مجلس شورای ملی و تأیید مجلس سنا، نفت ملی شد و به روند احتمال توافق با شرکت نفت خاتمه داده شد. پس از تصویب ملی‌شدن نفت در مجلس شورای ملی، شرکت نفت انگلیس و ایران با قطع کمک‌هزینه‌ها و مزایای کارگران، ناآرامی در خوزستان را باعث شد. انگلیس‌ها درصدد مداخله نظامی برآمدند؛ ولی با فشارهای بین‌المللی از این کار جلوگیری شد.

با نخست‌وزیری مصدق و میانجیگری آمریکا، در مرداد ۱۳۳۰/اوت ۱۹۵۱ دولت انگلیس هیئتی را به ریاست استوکس (Stokes)، برای مذاکره به ایران فرستاد. آنها طرحی هشت‌ماده‌ای تدوین کردند که در آن، تأسیس دو سازمان خرید و عملیات نفتی پیشنهاد شده بود و اینکه تولید نفت و فروش آن باید در مدیریت انگلیس باشد؛ اما مصدق اعلام کرد طرح باید به مجلس ارسال شود. استوکس گفت او با نخست‌وزیر معامله می‌کند نه با مجلس و خواستار تأیید نخست‌وزیر بود؛ زیرا بدون تأیید او، دولت و مجلس این طرح را تصویب نمی‌کردند (U.S.F.A.D: 888.2553/8-1251, Tel, Aug, 12, 1951). پس از شکست مذاکرات هیئت استوکس، انگلیسی‌ها به

### نفت عراق

با تشکیل امپراتوری آلمان در سال ۱۸۷۱م/ و با پیشرفت‌های علمی، فنی، صنعتی و اقتصادی این کشور که تحت تأثیر صاحبان صنایع بود، دولتمردان آلمان به عرصه رقابت‌های جهانی وارد شدند.

آلمانی‌ها در ۱۳ اسفند ۱۲۸۱/۵ مارس ۱۹۰۴ قرارداد ساخت راه‌آهن قونیه بغداد بصره را با حکومت عثمانی امضا کردند. براساس آن، حق بهره‌برداری از تمام معادن در ۲۰ کیلومتری خطوط راه‌آهن به آلمان واگذار می‌شد. در ۲۵ تیر ۱۲۸۲/۱۷ جولای ۱۹۰۴ حکومت عثمانی با آلمان قراردادی بست که براساس آن، بررسی برای کشف نفت در موصل و بغداد به آلمان واگذار شد و این بررسی‌ها در یک سال باید انجام می‌شد (نوشهی، ۱۹۷۱: ۲۴ تا ۲۸).

در اوایل قرن بیستم و وقتی ویلیام ناکس داریس امتیاز نفت را در ایران کسب کرد، انگلیس برای گسترش حوزه امتیازات خود و برای کسب امتیاز نفت عراق، نماینده‌ای به عثمانی فرستاد؛ اما آلمان‌ها مانع واگذاری امتیاز شدند (s.h.Longrigg, 1951: 6-9).

در اوایل قرن بیستم، انگلیس با پیشنهاد تأسیس بانک ملی عثمانی موافقت کرد؛ ولی بیشتر سهام آن در اختیار انگلیسی‌ها بود. با رقابت انگلیسی‌ها و آلمانی‌ها برای کسب امتیاز نفت عثمانی، در ۱۰ بهمن ۱۲۸۹/۳۱ ژانویه ۱۹۱۱ شرکت امتیازات آفریقا و شرق تشکیل شد که پس از مدتی، اسم آن به شرکت نفت عثمانی تغییر کرد. ۵۰ درصد سهام این شرکت از آن شرکت نفت انگلیس و ایران بود و شرکت شل و آلمانی‌ها هرکدام ۲۵ درصد سهام داشتند. گالوست گلبنکیان (Calouste Gulbenkian) که در این قرارداد نقش مهمی داشت، از شرکت

در سال ۱۳۱۲ش/۱۹۳۳م و با مرگ فیصل اول، پسرش غازی جانشین او شد. در این دوره با تشکیل احزاب سیاسی و گسترش آگاهی اجتماعی، دولت‌هایی که روی کار می‌آمدند تلاش می‌کردند سلطه انگلیسی‌ها را به چالش کشند. در سال ۱۳۱۸ش/۱۹۳۹م و با مرگ غازی چون فرزندش، فیصل دوم، چهار سال بیشتر نداشت عبدالاله، پسر عموی پادشاه جدید، نایب‌السلطنه شد. با شروع جنگ جهانی دوم، در بین سیاستمداران عراقی تمایلاتی برای همکاری با متحدین وجود داشت. انگلیس از حکومت عراق خواست روابط خود را با متحدین قطع کند و به دنبال آن در ۲۹ فروردین ۱۳۲۰/۱۸ آوریل ۱۹۴۱، انگلیس عراق را اشغال کرد و رشیدعالی به ایران فرار کرد (ابراهیم خلیل احمد، ۱۹۸۹: ۱۲۷ تا ۱۳۰). در این دوره ارتش عراق ضعیف شد و وظیفه آن به حفظ امنیت داخلی کاهش یافت. انگلیسی‌ها بر تمامی ارکان حکومت عراق مسلط شدند و این اشغال تا سال ۱۳۲۵ش/۱۹۴۷م ادامه یافت.

پس از خروج انگلیس از عراق، احزاب و گروه‌های سیاسی فعالیت خود را از سر گرفتند و با سازماندهی احزاب چپ، اعتصاب‌های گسترده‌ای در عراق شکل گرفت. دولت‌هایی که در عراق روی کار می‌آمدند تلاش می‌کردند با انگلیس قرارداد جدیدی منعقد کنند؛ اما زیر فشار افکار عمومی و اوضاع بین‌المللی و منطقه با نابسامانی‌هایی روبه‌رو می‌شدند. بیشتر مردم عراق و گروه‌ها و احزاب سیاسی نیز بیرون راندن ارتش بریتانیا از پایگاه‌های نظامی خود و استقلال کامل کشور را خواستار بودند (الدوری، ۲۰۱۱: ۱۵۸ تا ۱۶۰).

نفت انگلیس و ایران ۲/۵ درصد و از شرکت شل ۲/۵ درصد، یعنی در مجموع ۵ درصد، سهام دریافت کرد و به اندازه سهم خود حق رأی داشت و سود می‌برد (یرگین، ۱۳۸۵: ۱/۳۳۰ تا ۳۳۵).

پس از این توافق، در ۲۸ خرداد ۱۲۹۳/۱۹ ژوئن ۱۹۱۴ و با حمایت سفارتخانه های انگلیس و آلمان، شرکت نفت عثمانی درخواست کرد امتیاز نفت کل قلمرو امپراتوری عثمانی را در اختیار بگیرد. وزیر مالیه عثمانی به شرط اینکه سهم آن کشور مشخص شود با این درخواست موافقت کرد؛ ولی با شروع جنگ جهانی اول در عمل همکاری آلمان و انگلیس درباره نفت بین‌النهرین خاتمه یافت. اقدامی که تأثیر آن بر شرکت نفت عثمانی آشکار بود. پس از پایان جنگ جهانی اول، برای کسب امتیاز نفت عراق این موافقت سند مهمی محسوب می‌شد (S.H. Longrigg-oil in the middle east, 1954: 90-95).

در جریان جنگ جهانی اول و با فروپاشی عثمانی، براساس توافق فرانسه و انگلیس (سایکس پیکو)، نظم جدیدی برقرار شد و استان موصل در شمال شرقی بین‌النهرین بیشتر در قلمرو نفوذ فرانسه قرار گرفت. با نقشی که نفت در صنعت پیدا کرده بود، کشورهای پیروز در جنگ جهانی اول برای کسب امتیاز آن وارد رقابت با یکدیگر شدند. در سال ۱۲۹۸ ش/۱۹۲۰م در کنفرانس سان رمو (San Remo) که درباره تجزیه عثمانی بود، فرانسوی‌ها به شرط اینکه در کسب امتیاز نفت عراق سهمی داشته باشند، با انتقال لوله‌های نفتی از مسیر سوریه که در قیمومت آنها بود و نیز با پیوستن موصل به کشور تازه تأسیس عراق موافقت کردند (H.W.V. Temperley, 1969: 603-608). ایالات متحده که در جنگ جهانی اول

نقش مهمی در پیروزی متفقین داشت، با به دست آوردن نقش فعال‌تری در معادلات بین‌المللی، با قرارداد سان رمو در حکم سیاست استعماری مخالفت کرد و با راهبرد درهای باز، تغییر وضع امتیازات نفتی در خاورمیانه را خواستار شد (شولزینگر، ۱۳۸۵: ۲۶ تا ۳۰). شرکت نفتی آمریکا پیشنهاد کرد برای امتیاز نفت عراق، محدوده آن مشخص شود و در قالب اجاره از آن بهره‌برداری شود. آمریکا برای کسب امتیاز نفت عراق، با تجدیدنظر در آن تلاش کرد نظر آنها را جلب کند. سرانجام با مذاکرات طولانی درباره نفت عراق، در ۷ آذر ۱۳۰۳/۲۸ نوامبر ۱۹۲۴ آمریکایی‌ها با تشکیل کنسرسیومی با ویژگی‌های زیر موافقت کردند: به شرکت‌های نفتی آمریکا ۲۳/۷۵ درصد، شرکت‌های نفتی فرانسه ۲۳/۷۵ درصد، شرکت نفتی هلندی-انگلیسی (رویال داچ شل) ۲۳/۷۵ درصد، شرکت نفت انگلیس و ایران ۲۳/۷۵ درصد و آقای گالوست گلبنکیان ۰/۵ درصد سهام تعلق گیرد.

دولت عراق در دوره نخست‌وزیری جعفر عسکری کمیته‌ای به ریاست علی جودت، وزیر کشور، تشکیل داد تا پیش‌نویس قرارداد جدیدی را تهیه کند و در آن سهم دولت و ملت عراق مشخص شود. دولت انگلیس تأکید کرد اگر دولت عراق با تشکیل کنسرسیوم نفت موافقت نکند، در اختلاف مرزی بین ترکیه و عراق، انگلیس موصل را جزء خاک ترکیه خواهد شناخت. در دوره نخست‌وزیری یاسین هاشمی، دولت شرایط انگلیس را برای نفت پذیرفت و قراردادی به مدت ۷۵ سال منعقد شد. پس از آن در سال ۱۳۰۵ ش/۱۹۲۶م و در جامعه ملل، مسئله موصل به نفع عراق پایان یافت. شرکت نفت با بررسی های اولیه و نظر کارشناسان، عملیات حفاری را در منطقه باباگرگر، در ۱۰ کیلومتری کرکوک، آغاز کرد و

داد. در مذاکرات وزیر خارجه با شاکرالوادی براساس پاسخ صالح صائب الجبوری، رئیس ستاد ارتش و قرارداد ۱۳۰۹ش/۱۹۳۰م، به این مسئله اشاره شد که ورود نیروهای انگلیسی به خاک عراق در حالت جنگ با تهدید بدون مانع است؛ چون در آن زمان چنین وضعی در عراق حاکم نبود با درخواست دولت انگلیسی موافقت نشد (الحربی، ۲۰۰۲: ۲۱۵ تا ۲۲۰).

دولت بریتانیا زیر فشارهای بین‌المللی و کارشکنی‌های دولت آمریکا از اعزام نیرو به خلیج فارس خودداری کرد. آمریکا مدعی بود اگر نیروهای انگلیسی وارد خاک عراق شوند و پس‌از آن به ایران سرازیر شوند، نیروهای شوروی نیز وارد شمال ایران خواهند شد؛ در نتیجه اوضاع بین‌المللی و منطقه‌ای بحرانی خواهد شد. مطبوعات ایران از موافقت دولت عراق برای پیاده‌شدن نیروهای نظامی انگلیس خبر دادند؛ ولی دولت انگلیس و عراق به‌طور رسمی این خبر را تکذیب کردند (جریده‌الحوادث، ۲۸ ژوئن ۱۹۵۱). مطبوعات ایران مدعی بودند نیروهای نظامی انگلیس بخش مهمی از سواحل عراق را در تصرف خود دارند (بایگانی وزارت خارجه ایران، سند شماره ۲۴-۱۹-۱۳۳۱).

در واکنش به این اخبار، دولت عراق تأکید کرد این کشور به هیچ نیروی خارجی اجازه نخواهد داد از خاک عراق علیه همسایگان استفاده کند. سفیر عراق در تهران به مقامات ایرانی اطمینان داد کشورش به نیروهای انگلیسی اجازه ورود به خاک عراق را نداده است (جریده‌الاتحادالدستوری، ۱۹۵۱: ۱۹ نوامبر).

مطبوعات عراق برای جلب افکار عمومی، با چاپ مطالبی در حمایت از ملی‌شدن صنعت نفت، از دولت عراق خواست با مردم همراهی کند (جریده‌الاستقلال، ۱۹۵۱: ۵ جولای؛ جریده‌الثیعه، ۱۹۵۱: ۲۷ سپتامبر).

به‌سرعت به نفت تجاری رسید. کشورهای صاحب امتیاز برای جلوگیری از رقابت‌های آینده موافقت کردند در قلمرو سابق عثمانی که به خط سرخ معروف بود، به‌صورت مشترک فعالیت کنند و این‌گونه چارچوب فعالیت نفتی خاورمیانه را مشخص کردند (یرگین، ۱۳۸۵: ۳۵۸ تا ۳۶۴).

### دولت نوری سعید

پس از ترور رزم‌آرا، نخست‌وزیر وقت، در ۱۲۴ اسفند ۱۳۲۹/۱۵ مارس ۱۹۵۱ مجلس شورای ملی ایران ملی‌شدن صنعت نفت را تصویب کرد. کشورهای صاحب امتیازهای نفتی در خاورمیانه، برای حفظ موقعیت بین‌المللی و منطقه‌ای واکنش‌های متفاوتی نشان دادند. این گروه از کشورها تلاش کردند با مشکلاتی که برای ایران به وجود می‌آوردند از اقدام مشابه در سایر کشورهای منطقه جلوگیری کنند.

در عراق نوری السعید، نخست‌وزیر، با ملی‌شدن صنعت نفت مخالف بود. او مدعی بود انگلیسی‌ها اجازه نخواهند داد جنبش ملی‌شدن نفت فقط با تصویب مجلس عملی شود؛ البته افکار عمومی عراق از جنبش ایران حمایت می‌کرد.

آنتونی ایدن (Robert Anthony Eden)، وزیر خارجه انگلیس، از دولت عراق خواست با نخست‌وزیر ایران ملاقات کند؛ ولی گویا نوری السعید به این کار تمایلی نداشت (الحربی، ۲۰۰۲: ۲۱۴ تا ۲۱۸).

انگلیس برای مقابله با دولت ایران و به بهانه حفظ امنیت تأسیسات نفتی، در فروردین ۱۳۳۰/آوریل ۱۹۵۱ به‌طور رسمی از دولت عراق خواست اجازه دهد نیروهای نظامی انگلیس وارد بصره شوند. نخست‌وزیر عراق این درخواست را به توفیق السویدی، وزیر خارجه عراق، ارجاع



انگلیسی‌ها تلاش کردند در کوتاه‌ترین زمان ممکن با دولت نوری السعید به توافق برسند. در ۱۹ تیر ۱۳۳۰/۲۰ جولای ۱۹۵۱، شرکت نفت با دولت عراق به توافق رسید و هیئت وزیران توافق‌نامه را تصویب کرد. مهم‌ترین مفاد این توافق‌نامه عبارتند از:

۱. شرکت‌های نفتی باید ۵۰ درصد از میزان سود خود را به دولت عراق پرداخت کنند؛

۲. برای جبران کاهش تولید ایران، تولید سالانه شرکت‌های نفت عراق و موصل در سال ۱۳۳۲ش/۱۹۵۳م به ۲۲ میلیون تن برسد و همچنین تولید سالانه شرکت نفت بصره در سال ۱۳۳۴ش/۱۹۵۵م به ۸ میلیون تن افزایش یابد؛

۳. کمترین درآمد دولت عراق از شرکت‌های نفتی بغداد، موصل و بصره در سال‌های

۱۳۳۲ و ۱۳۳۳ش/۱۹۵۳ و ۱۹۵۴م، ۲۰ میلیون دینار و در سال ۱۳۳۴ش/۱۹۵۵م، ۲۵ میلیون دینار تعیین شود؛

۴. در سال ۱۳۲۰ش/۱۹۵۱م واردات عراق به ۱۵ میلیون دینار و در سال ۱۳۳۴ش/۱۹۵۵م به ۵۹ میلیون دینار افزایش یابد؛

۵. در صورت افزایش درآمد کشورهای همسایه عراق از فروش نفت، دولت عراق حق مطالبه افزایش درآمد هم‌پایه کشور همسایه را دارد؛

۶. تعدادی از عراقی‌ها در هیئت مدیره شرکت‌های نفتی عضو شوند؛

۷. با اعزام دانشجویان عراقی به انگلیس برای تحصیل در زمینه صنایع نفتی به هزینه شرکت نفت موافقت شود؛

۸. برای آموزش مسائل مربوط به نفت در کرکوک آموزشگاهی تأسیس شود؛

۹. تمامی کارکنان شرکت‌های نفتی باید تأیید شده وزارت اقتصاد عراق باشند؛

۱۰. مقرر شد تاریخ اجرای توافق‌نامه

نوری السعید نخست‌وزیر عراق که به ملی‌شدن صنعت نفت تمایلی نداشت، مدعی بود نفت در اصل ملی شده است و به دولت متعلق است؛ اما براساس قراردادی، برای مدت محدودی به شرکت‌های خارجی اجاره داده شده است. او خواستار این بود که اگر بین دولت عراق و شرکت نفت اختلافی وجود دارد، دو طرف باید با مذاکره به راه‌حل توافق‌شده دست یابند. او همچنین خاطرنشان می‌کرد انگلیسی‌ها برای ایرانی‌ها که نفت را ملی کردند، مشکلات فراوانی به وجود آوردند و دولت عراق تمایل ندارد چنین راه پریچ‌وخمی را طی کند؛ علاوه بر این، ملی شدن صنعت نفت را برای منافع ملی و کشور عراق خطرناک می‌دانست (بایگانی وزارت خارجه ایران، سند شماره ۱۵۶-۴-۱-۹-۱۳۳۱).

انگلیس برای اینکه منافع نفتی که در عراق داشت با دشواری روبه‌رو نشود در ۱۴ فوروردین ۱۳۳۰/۳ آوریل ۱۹۵۱، پیشنهادی را مطرح کرد. در این پیشنهاد جیبسون (gibson)، رئیس شرکت نفت عراق، به دولت عراق اعلام کرد باید مذاکره شود تا درآمد هر تن نفت کشور از کشورهای همسایه کمتر نباشد. نوری السعید با استقبال از پیشنهاد شرکت نفت، هیئتی را برای مذاکره تعیین کرد. در روند مذاکرات، نمایندگان شرکت نفت عراق بیشتر در زمینه چگونگی پرداخت سود به دولت عراق وارد مذاکره شدند. مذاکره‌کنندگان عراقی مدعی بودند در این موقعیت، هدف شرکت نفت جلوگیری از ملی شدن صنعت نفت است. احزاب و گروه‌های سیاسی وقتی از مذاکرات مطلع شدند، در مطبوعات مقالاتی علیه دولت و مذاکره‌کنندگان منتشر کردند و خاطرنشان کردند ملت عراق جز با ملی کردن صنعت نفت، با هیچ‌گونه توافقی موافق نیست (الجعفری، ۲۰۰۵: ۷۷).

کرد نخست‌وزیر درباره نفت بیانیه کلی صادر کرده است و اگر این دیدگاه کابینه باشد، منافع ملی در زمینه نفت تأمین نخواهد شد. نماینده دیگر، قاسم‌المفتی، بیان کرد کسی که بیانیه صادر می‌کند باید منتظر جواب هم باشد نه اینکه جلسه را ترک کند (محاضر مجلس‌النواب، ۱۹۵۰: ۴۰۹).

به‌رحال نمایندگان مجلس از پاسخ نخست‌وزیر قانع نشدند و در جلسه ۵ فروردین ۱۳۳۰/۲۵ مارس ۱۹۵۱، ۱۸ نفر از نمایندگان در نامه‌ای به رئیس مجلس، از وضع بد اقتصادی و کمبود منابع مالی برای انجام پروژه‌های عمرانی و تولیدی گله کردند و آن را باعث نارضایتی مردم دانستند. آنها برای بهبود اوضاع مالی و اقتصادی دولت خواستار لایحه‌ای برای ملی شدن صنعت نفت شدند تا با واسطه آن حقوق ملت در صنعت نفت تأمین شود (المركز العراقي للمطبوعات و الدراسات، العراق وقائع و احداث، قسم المعلومات و التوثيق، ۲۰۱۰: ۳۵۴-۳۵۰).

در هنگام ارائه لایحه بودجه محمدمهدی کبد، نماینده بغداد، ملی شدن صنعت نفت را خواستار شد. نماینده دیگر، فائق السامرائی، در سخنرانی مجلس بیان کرد ما برای ثروت به تاراج‌رفته کشورمان در داخل و خارج می‌جنگیم؛ پس دولت و شرکت نفت این هشدار را بشنوند. عبدالله القصیر، نماینده موصل، بیان کرد نفت کشور ما از راه مدیترانه و خلیج فارس به مناطق مختلف جهان صادر می‌شود؛ درحالی‌که مردم عراق از فقر و گرسنگی درد می‌کشند. محمد مشحن، نماینده الانبار، اظهار کرد همیشه با ملی شدن صنعت نفت موافق بوده و هستم (محاضر مجلس‌النواب، ۱۹۵۱: ۶۳۵ تا ۶۶۱). تعدادی از نمایندگان مجلس، همچون علی ابوالتمن نماینده بغداد و صالح بحرالعلوم نماینده کربلا، ملی

باشد و ۱۲ دی ۱۳۲۹/۱ ژانویه ۱۹۵۱ به تصویب مجلس برسد (مقررات مجلس الوزراء عوام، ۱۹۵۱: ۳-۳۵).

در ۱۴ بهمن ۱۳۳۰/۳ فوریه ۱۹۵۲، عبدالمجید محمود، وزیر اقتصاد عراق و جیبسون، رئیس شرکت نفت عراق، این توافق‌نامه را امضاء کردند و دو روز بعد، هیئت وزیران آن را تصویب کرد. با انتشار این توافق‌نامه، وقتی هیئت انگلیسی برای مذاکره با ایران راهی تهران شده بود، براساس اصول این توافق، طرح هشت ماده‌ای را به دولت مصدق ارائه کرد؛ اما مصدق نپذیرفت (خلیل نوری، ۱۹۸۱: ۴۰۸ تا ۴۱۰).

### عملکرد مجلس عراق هم‌زمان با ملی شدن صنعت نفت ایران

مجلس ایران در ۲۷ اسفند ۱۳۲۹/۱۸ مارس ۱۹۵۱ صنعت نفت را ملی کرد. سه روز پس از ملی شدن صنعت نفت ایران، مجلس عراق مسئله شرکت نفت را به‌طور علنی مطرح کرد و محمد صدیق شنتل، نماینده موصل، پرسش‌هایی از نخست‌وزیر، نوری السعید، کرد و از او خواست به نمایندگان پاسخ دهد: آیا دولت قصد ملی کردن صنعت نفت را دارد؟ در غیر این صورت، از چه راه‌هایی و چگونه می‌خواهد حقوق ملت عراق را در صنعت نفت پیگیری کند؟

نوری السعید که به ملی شدن صنعت نفت تمایلی نداشت، اظهار کرد دولت در پی راهکاری است تا با شرکت نفت وارد مذاکره شود و درآمد حاصل از نفت، به مقدار میانگین درآمد کشورهای همسایه باشد؛ بنابراین در هر تن نفت خام درآمد عراق افزایش یابد (محاضر مجلس‌النواب، ۱۹۵۰: ۴۰۹). تعدادی از نمایندگان به سخنان نخست‌وزیر واکنش نشان دادند. فائق السامرائی، نماینده بغداد، اظهار

شدن صنعت نفت را خواستار شدند. وزارت خارجه ایران از عملکرد نمایندگان موافق ملی شدن نفت قدردانی کرد و از اجرایی شدن این ایده حمایت کرد (خضیرالبدیری، ۲۰۱۲: ۱۰۴ تا ۱۰۷).

بیشتر نمایندگان مجلس عراق به علت وابستگی به سیاست‌های دولت انگلیس، با ملی شدن صنعت نفت مخالف بودند؛ از جمله حسام‌الدین جمعه نماینده دیالی، سلمان الشیخ داود نماینده العمارة و علی کمان نماینده سلیمانیه. آنها مدعی بودند ملی کردن صنعت نفت خلاف مصالح کشور است (محاضر مجلس النواب، ۱۹۵۱: ۱۰۳ تا ۱۱۰).

دولت عراق در بیانیه ۱۶ بهمن ۱۳۳۰/۵ فوریه ۱۹۵۲ با شرکت‌های نفتی انگلیس به توافق رسید. در این بیانیه تصریح شده بود این لایحه برای تصویب به مجلس ارسال خواهد شد. سرانجام لایحه دولت در ۲۰ بهمن ۱۳۳۰/۹ فوریه ۱۹۵۲ به مجلس فرستاده شد.

دولت نوری السعید و شرکت نفت از مجلس خواستند به زودی آن را بررسی و تصویب کند. در این زمان مدت کمی از دوره خدمت نمایندگان مجلس باقی مانده بود و آنها به این لایحه واکنش متفاوتی نشان دادند. حزب استقلال برای اینکه تعداد نمایندگان مجلس به میزان لازم نرسد در ۲۳ بهمن ۱۳۳۰/۱۲ فوریه ۱۹۵۲ پیشنهاد کرد پنج تن از نمایندگان حزب استعفا دهند؛ اما مجلس با این درخواست موافقت نکرد (محاضر مجلس النواب، الاجتماع الاحتیاری، ۱۹۵۱: ۷۲ تا ۷۶). تعدادی از نمایندگان از جمله عبدالکریم کته نماینده بغداد، محمد مشحق العدوان نماینده الدلیم و صالح بحر العلوم نماینده کربلا از مخالفان قرارداد بودند و

ملی شدن نفت را خواستار شدند. وزیر اقتصاد، عبدالمجید محمود، در مجلس درباره اوضاع داخلی و خارجی عراق توضیح داد و بیان کرد وضع عراق در گذشته، حال و آینده با اوضاع ایران متفاوت است. او گفت برای انعقاد قراردادهای نفتی نباید براساس اوضاع ایران عمل کرد.

نوری السعید به نمایندگان اطمینان داد در این قرارداد منافع ملی حفظ شده است و چنانچه درآمد دولت از این قرارداد کمتر از کشورهای همسایه باشد، در آن تجدیدنظر خواهد کرد. دولت عراق تلاش کرد نمایندگان را متقاعد کند در بازه زمانی کمی که از دوره مجلس باقی مانده است، قرارداد را تصویب کنند تا مسئله نفت در روابط آن کشور با انگلیس بحرانی ایجاد نکند. نمایندگان مجلس با تأثیرپذیری از اوضاع داخلی و خارجی، در ۲۵ بهمن ۱۳۳۰/۱۴ فوریه ۱۹۵۱ با اصول قرارداد موافقت کردند. در ۲۸ بهمن ۱۳۳۰/۱۷ فوریه ۱۹۵۲ مجلس سنا این تصویب مجلس را تأیید کرد و این گونه به مسئله نفت پایان داده شد (مجلس الاعیان، اجتماع الاعتیادی، ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲: ۳۰ تا ۵۵).

به نظر می‌رسد با ملی شدن صنعت نفت در ایران، دولتمردان انگلیس برای جلوگیری از این روند در سایر کشورها، از جمله عراق، به دنبال این بودند با حمایت از دولت وابسته و نمایندگان طرفدار خود در مجلس عراق، توافق‌نامه‌ای را که انگلیس تهیه کرده بود در بازه زمانی بسیار محدودی که فرصت لازم برای بررسی آن وجود نداشت از تصویب هیئت وزیران، مجلس و مجلس سنا بگذرانند. انگلیس با این روش از هرگونه تغییر در بندهای امتیاز جلوگیری می‌کرد. توافق نفتی دولت عراق به بهبود اوضاع اقتصادی آن کشور کمکی نکرد.

## نتیجه

ملی‌شدن نفت ایران در سال ۱۳۲۹ش/۱۹۵۱م، اوضاع داخلی کشور و وضع منطقه‌ای را با چالش روبه‌رو کرد. بریتانیایی‌ها برای جلوگیری از جنبش ملی‌شدن نفت در منطقه، از کشور عراق خواستند به آنها اجازه دهد وارد خاک کشورش شوند تا از این راه علیه ایران عملیات نظامی انجام دهند؛ اما عراق با این موضوع موافقت نکرد. ملی‌شدن صنعت نفت ایران افکار عمومی و احزاب و گروه‌های نظامی عراق را تحت تأثیر قرار داد تا با الگو قراردادن ملی‌شدن صنعت نفت ایران آن کشور نیز نفت را ملی کند. در این راستا مطبوعات با انتشار مقالاتی از دولت خواستند با تدوین و ارسال لایحه‌ای نفت را ملی کند. بریتانیایی‌ها با هدایت دولت عراق و تأکید بر آسیب‌پذیری مرزها تلاش برای ملی کردن نفت را بی‌اثر کردند. نبود تشابه فرهنگی، قومی، نژادی و جغرافیایی نیز به این مسئله کمک کرد. دولت نوری السعید برای جلوگیری از ملی‌شدن صنعت نفت و مانع شدن از گسترش نارضایتی‌های عمومی، با موافقت انگلیس، هیئتی را برای تغییر در اوضاع نفتی مأمور مذاکره کرد. آنها پس از مدت کوتاهی با شرکت نفت به توافق رسیدند و با تصویب هیئت دولت، لایحه مذکور در پارلمان به تصویب رسید. هیئت انگلیسی استوکس در مذاکره‌های نفتی با ایران، الگوی عراق را براساس طرح هشت‌ماده‌ای به دولت ایران پیشنهاد کردند؛ اما دولت ایران با آن موافقت نکرد. دولت وابسته عراق تلاش کرد از شکاف ایجادشده بین احزاب و گروه‌های سیاسی بهره‌برداری کرده و این‌گونه از هرگونه جنبش عمومی مردم برای تغییر در اوضاع نفت و ملی‌شدن آن جلوگیری کند.

## کتابنامه

### الف. کتاب‌های فارسی

- . بیگدلی، علی، (۱۳۶۸)، *تاریخ سیاسی و اقتصادی عراق*، تهران: میراث ملل.
- . جامی، (۱۳۶۱)، *گذشته چراغ راه آینده*، تهران: ققنوس.
- . روحانی، فواد، (۱۳۵۲)، *تاریخ ملی‌شدن صنعت نفت در ایران*، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- . شولزینگر، رابرت، د، (۱۳۵۸)، *دیپلماسی امریکا در قرن بیستم*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: وزارت خارجه.
- . علم، مصطفی، (۱۳۷۱)، *نفت، قدرت و اصول: ملی‌شدن نفت ایران و پیامدهای آن*، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران: اطلاعات.
- . فاتح، مصطفی، (۱۳۵۸)، *پنجاه سال نفت ایران*، تهران: پیام.
- . مکی، حسین، (۱۳۷۴)، *تاریخ بیست‌ساله ایران*، تهران: علمی.
- . برگین، دانیل، (۱۳۵۸)، *تاریخ جهانی نفت*، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران: اطلاعات.
- ب. اسناد
- . کتابخانه و مرکز اسناد وزارت خارجه ایران.
- . اسناد وزارت خارجه آمریکا.
- . صورت مذاکرات مجلس شورای ملی: دوره سوم تا پنجم.
- . کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ج. روزنامه
- . روزنامه کیهان، سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳.

- د. منابع عربی
- . خليل احمد، ابراهيم و جعفر عباس حمیدی، (۱۹۸۹)،  
تاریخ العراق المعاصر. الموصل: مطبعة التعليم العانی  
فی الموصل.
- . الجمالی، محمدفاضل، (۱۹۵۴)، العراق بین أمس و  
اليوم. بغداد: بی‌نا.
- . الجعفری، محمدحمیدی صالح، (۲۰۰۵)، النوری  
السعيد و بريطانيا خلاف ام وفاق، دمشق: الاوائل  
للنشر و التوزيع.
- . الحربی، الاجاسم محمد، (۲۰۰۲)، العلاقات العراقيه  
البريطانيه ۱۹۵۱-۱۹۵۴. بغداد: بيت الحكمة.
- . الحسنی، عبدالرزاق، (۲۰۱۳)، العراق فی ضل  
المعاهدات. بيروت: دارالرافدين.
- . البديري، خضير، (۲۰۱۲)، دكتور مصدق و العراق،  
موقف الراي العالم العراقي من الاحداث السياسييه  
فی ايران. بيروت: العارف للمطبوعات.
- . خليل نوری، عبدالحمید، (۱۹۸۰)، التاريخ السياسي  
لامتيازات النفط فی العراق، ۱۹۵۳-۱۹۴۵، بغداد:  
بی‌نا.
- . الدورى، سيف الدين، نوری باشا السعيد، (۲۰۱۱)، ۵۰  
عام على مصرعه و سقوط النظام الملكي فی  
العراق ۱۹۵۸، بيروت: الدار العربيه للموساعات.
- . نوشتی، اندره، (۱۹۷۱)، الصراعات البترولييه فی  
الشراق الاوسط، ترجمه اسعد محفل، بيروت:  
دارالحقيقه.
- ه. اسناد و روزنامه‌های عربی
- . محاضر مجلس النواب العراقي، الاجتماع الاعتيادي،  
لسنه: ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱.
- . محاضر مجلس الاعيان، للعام: ۱۹۵۱.
- . مقررات مجلس الوزراء للأعوام: ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳.
- . جريده الاستقلال: ۱۹۵۱.
- . جريده الحوادث: ۱۹۵۱.
- و. منابع لاتین
- . Avery, petery and Gavin Hambly and Charles  
Melvill, (1991), the Cambridge History of  
Iran, volum 7, From Nadershah to the  
Islamic Republic, Gambridge, Gambridge  
university Press.
- . Dorman, William and Mansour Farhang,  
(1987), The U.S. Press and Iran, London  
England, California Press.
- . Hamilton Lytlemark, (1987), The Origins of  
the Iranian-American Allian, 1941-1958,  
Holmes and Meier, Publishers.
- . Burrell, DVR, M. and Robert L. Jarman,  
(1997), Iran political diaries. Volum 13:  
1946-1951, British library cataloguing in  
publication Data.
- . Nirumand, Bahman, (1969), Iran: The New  
Imperialism inaction. New York: modern  
Reader.
- . S.H. Longrigg, (1951), The early history of  
our companyin Iraq petroleum, vol. 1, no.  
august.
- . H.W.V. Temperley, (1969), A History of the  
peace conference of Paris, vol. VL,  
London.